###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**نظام کیفری ایران باستان**

**مقدمه:**

انسان موجودي سعادت خواه و سعادت جو و فطرت و سرشت آدمي به سوي خوبي و خوهبت الهي استوار است حيات و ممات در پيش روي انسان ها باعث گرديده كه بشر براي تكامل كوششي كند تا حقيقت را دريابد و لذا در نيل انجام اين هدف ها انسان در تكاپوي علوم فكري و علوم معرفتي هستند حصول به علوم و كشف معلومات بي ارتباط با حقوق مردم نيست و تامين مصالح حقوق عمومي التفات كوچك و معقول از خواسته هاي موجه اجتماعي خواهد بود. لذا آشنائي با واژه و مفهوم قانون و مقررات حاكم بر روابط بنگاه ها ما را آشنا با حقوق شهروندان خواهد نمود. كه در اين راستا خداوند را سپاس مي گوييم كه توفيق و عنايت عطا نمود كه با تأليف اين جزوه خدمتي كوچك به همنوعانم نماييم تا اين مردم صاحب عزت و كرامت آشنائي كوچكي براي جلوگيري از هرج و مرج اجتماعي و گرفتن داد خود از ظالم و تحكيم خود بردارند و آ‎شنايي اجمالي براي اين قشر زحمت كش برداشته شود.

«آب دريا را اگر نتوان كشيد

#####  پس به قدر قشنگي بايد چشيد»

 **من الله التوفيق**

 **مولف مسلم رجبي**

 1/2/82

# بخش اول

|  |
| --- |
| نظام كيفري ايران باستاني |
| سومر |
| مصر |
| آشور |
| قانون حمورايي |
|  هخامنشي وقوع جرم و مجازات  نظم و امنيت همگاني |
| اشكانيان |
| سامانيان سازمان قضايي |

# نظام كيفري ايران باستان

## سومر

 حدود 7 هزار سال پيش در جنوب بين النهرين كشوري بود به نام سومرا كه از سرزمين هايي ديگر مهاجرت كردند و ميان دو رودخانه دجله و فرات كوچ كردند و ساكن شدند. معمولا كاهنان معابد محامه و داوري مي كردند. و براي دادگاه هاي عالي قضات متخصص انتخاب مي كردند.

**تشكيلات:** در تشكيلات سياسي مذهبي سومر پانه سي امور شهر ما را هدايت مي كردند و پاناسي بزرگ پادشاه شهر بود و قانون براي مردم وضع مي كرد و رسيدگي به امور مردم در سايه قوانين را پادشاه انجام مي داد.

در قوانين سومري ها نحوه انعقاد قرارداد- عقود و مختلف خريد و فروش- وصيت قبول فرزند در قانون پيش بيني شده بود.

### مصر

#### تمدن مصر داراي قدمتي برابر با تمدن سومر بود مصريان قوانين مختلفي داشتند قضات از طرف فراعنه به دادرسي رفع مظالم مي پرداختند. ترازوي عدالت يادگار شيوه حقوقي مصريان است. قضات مصر حكم خود را به نام خداوند عدالت صادر مي كردند. در مصر ويل دورانت مي گويند كه در سلسله پنجم قانون مفصلي براي مالكيت خصوصي و تقسيم ارث تنظيم شده است. قديميترين سند قانوني جهاني در موزه بريتانيا نگهداري مي شود. كه اظهارنامه‌اي از ارث به محكمه تسليم شده است. در قواني جزاي سوگند دروغ گشتن بود كه از محكمه محلي شروع مي شد به «طيوه» يا شمس پايان مي يافت زدن با چوب رايج بود. دست يا پا و گوش و بيني تباهكار بريده مي شد. سر بريدن و به چيمار ميخ و سوزاندن كيفر مي دادند سخت ترين نوع شكنجه زنده موميايي كردن بود يا بدن تباهكار با نترون سوزانده مي شد فرعون شخصا عنوان ديوان عالي كشور را به عهده داشت.

##### آشور

 قوانين و مقررات در آشور سخت تر از بابل بود. زن در اين سرزمين پست بود بريدن گوش، بيني، شلاق زدن شكم بريدن، زهر خوراندن و سوزاندن پسر يا دختر كناهكار در قربانگاه معبد عادي بود.

##### قانون حمورابي

قديمي ترين قانون مه معدني كه تمدن بشر سراغ دارد قانون حمورابي است. اعتبار اين حكومت در بابل بوده اين قانون در سنگي به ارتفاع 45/2 متر منظم و زيبا نوشته شده است. قانون بر 282 ماده و يك مقدمه نوشته شده بود.

در اين قانون اصل قصاص به مثل بود. اگر شخصي از طبقه اشراف جرمي انجام مي داد حكمش سنگين تر بود. اگر كسي پدر خود را مي زد او دست او را قطع مي كردند. نوح اجناس از طرف دولت تعيين مي شد. مردم در قوانين كه مستقيم از طرف پادشاه انتخاب مي شاد. كوروش درباره عدالت مي گويد: عدالت آن است كه به مقتضي قانون و حق باشد. و هرچه از راه حق مصرف شود ستم و بي عدالتي است و قاضي عادل آن است كه به اعتبار قانون و مطابق حق باشد.

 داريوش مي گويد من بزرگترين داور دنيا هستم. و بالاترين وظيفه فرد را رعايت عدالت مي دانم. در اين دوره انجام امور به بد و خوب با هم به مقايسه كشيده مي شود و حكم داده مي شد. حكم دست پادشاه بود. مي توانست عفو يا مجازات نمايد در زمان هخامنشينان تاريخ براي محاكمه گذاشته مي شد. حمورابي آزاد و يكسان بودند. شوره از زن ارث نمي برد. ارث زني به اولاد مي رسيد. اگر مرد مي مرد زن علاوه بر جهزيزيه خود قسمتي از مال شوهر به عنوان بهاي وفاداري و دريافت مي كردند. اگر دزد دستگير مي شد كشته مي‌شد.

**هخامنشي:**

 نخستين كسي كه در بين ايرانيان به تدوين وضع قانون مي پرداخت براي گرشاسب پهلوان دوره اوستايي (اوراخشيه) بود در ايران باستان حق خطا كردن منحصر به اراده پادشاه بود قدرت ارتش بود قانون پادشاه قانون را مزدار بود. و سرپيچي از قانون رسمي بود. اما در قانون هخامنشي قضات در اين زمنان معروف به شاثراب ما بودند در اين دوره به داوري و احقاق حق اهميت داده مي شد. بنيان گذار قانون در اين دوره كورش است. گفته مي شود كه در داريوش با قوانين كشور ما قانون مندي مدوني درست كرد كه بعد ما قاون روم شده و كشورهاي ديگر از آن استفاده كردند. در اين دوره از راه حق منصرف شود. ستم و بي عدالتي است و قاضي عادل آن است كه به اعتبار قانون و مطابق حق باشد. داريوش مي گويد كه سن بزرگتر داود دنيا هستم و بالاتري وظيفه خود را رعايت عدالت مي دانم در اين دوره انجام امور بدو خوب باسه به مقايسه كشيده مي شد بعد حكم داده مي شد. حكم دست پادشاه بود مي توانست عفو يا مجازات نمايد. در زمان هخامنشيان تاريخ براي محاكمه گذاشته مي شد سخن گويان امور مشاوره را انجام مي دادند. سوگند دادن معمول بود. عدم حضور حكم بر مجرميت بود. عرف و عادت و رسومات در محاكم رسم بود. شورايي به نام داوران شاهي وجود داشت. كه در مسائل حقوقي با هم بحث مي كردند. در دوره هخامنشي يك قانون واحد وجود نداشته بلكه هر محل و نواحي از قوانين موجود استفاده و اطاعت مي كرده قضّات پادشاهي را براي مادام العمر از پارسيان انتخاب مي كردند. اوستا قانون مدني د راين دوره بود.